

## تحلیل ژئوپلیتیک سوریه:

### بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه

کاظم ذوقی بارانی <sup>۱</sup>	تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۸/۰۲
روح... قادری کنگاوری <sup>۲</sup>	تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۲۱
محمد رضا فراتی <sup>۳</sup>	صفحات مقاله: ۲۱۴ - ۱۹۵

#### چکیده:

مقاله‌ی حاضر، تحولات ژئوپلیتیک سوریه را در خاورمیانه مورد بررسی قرار داده و جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در برابر این تحولات مشخص می‌نماید. این نوشتار، ضمن بیان تغییرات ژئوپلیتیکی ایجاد شده در منطقه، تلاش می‌کند تأثیر این تغییرات را بر نقش‌آفرینی بازیگران این عرصه نیز تشریح کند. این نقش‌آفرینان به چند دسته‌ی عمده تقسیم می‌شوند. بازیگرانی مانند: ایران، عربستان و ترکیه، که به‌طور سنتی به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای دارای نقش مؤثری بوده‌اند و به‌نظر می‌رسد حفظ منافع حیاتی آنها نه تنها از سوی کشورهای منطقه، بلکه از سوی قدرت‌های جهانی از ضروریات برقراری ثبات و امنیت در منطقه است. سایر کشورهای این منطقه، دومین گروهی هستند که نقش آنها در این مطالعه بررسی می‌شود. گروه سوم، بازیگران برون‌منطقه‌ای‌اند که بازیگری و دیدگاه آنها در تحولات منطقه‌ای تأثیر دارد.

با این وصف، شناخت دقیق و عمیق بسترهای مساعد و نامساعد ژئوپلیتیکی تحولات سوریه، زمینه‌ها و رویکردهای تحقق فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های گوناگون برای حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در تحولات خاورمیانه، کمترین هزینه و بیشترین منافع را در پی خواهد داشت. در این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده، اطلاعات مورد نیاز، از اسناد و مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات) و نیز از اطلاعات شبکه‌ی جهانی اینترنت جمع‌آوری شده است.

\* \* \* \* \*

۱- دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۲- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۳- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

## واژگان کلیدی

ژئوپلیتیک سوریه، خاورمیانه، ایران، تحولات منطقه‌ای.

## مقدمه

روند تحولات جهانی در دوران پس از جنگ سرد و تلاش‌های دامنه‌دار آمریکا در نقاط مختلف دنیا نشان‌دهنده‌ی پیگیری راهبردی مشخص از سوی آمریکا برای جهان است. در این راهبرد که ماهیت و زوایای آن را می‌توان از سخنان و نظریات رهبران سیاسی و نظریه‌پردازان امریکایی به خوبی فهمید، آرایش و سازماندهی امور جهان بر اساس ایده‌ها، نظریات و منافع این کشور است (اخباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۸). بدیهی است برای رسیدن به این هدف لازم است که آمریکا برای هر یک از مناطق و کشورهای جهان راهبرد و برنامه‌ای ویژه داشته باشد، تا با هماهنگی آن با اهداف خود، سلطه‌ی جهانی مورد نظر خود را به همه‌ی مناطق جهان بگستراند. از جمله مناطق بسیار مهم در این راهبرد، منطقه‌ی خاورمیانه است.

خاورمیانه در طول تاریخ مورد علاقه‌ی قدرت‌های جهانی بوده است. به نظر می‌رسد اهمیت این منطقه در شرایط کنونی بیشتر ناشی از وجود منابع عظیم نفتی است (BP. Statistical Review of World Energy, 2011).

منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظر کشورهای مختلف بالاترین اهمیت ژئوپلیتیک را داشته و همچنان دارد، منطقه‌ی خاورمیانه است. در دوران پس از جنگ سرد، تبدیل آمریکا به قدرت مسلط در این منطقه و افزایش آزادی عمل آن، باعث ایجاد رقابت‌های جدید منطقه‌ای میان بازیگران این حوزه شده است (اکبری، ۱۳۸۷: ۴۷). همچنین وجود اسلام سیاسی و جریان‌های افراط‌گرای اسلامی، تروریسم و اختلاف‌های قومی بین هسته‌ی عربی و پیرامون غیرعربی آن جدی بوده و به عوامل مهمی برای شکل‌گیری صف‌بندی‌های جدید در میان بازیگران، تبدیل شده است (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

در این بین موقعیت ژئوپلیتیکی، سوریه در این منطقه‌ی مهم به گونه‌ای است که وزنی فراخور آن به این کشور بخشیده است. گذرگاهی بودن سوریه در نقطه‌ی اتصال سه قاره‌ی

آسیا، اروپا و آفریقا، همچنین وجود هسته‌های مقاومت در گسل منازعات اسلامی - صهیونیستی، این کشور را در کوران رقابت‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه قرار داده است.

پر واضح است، تلاش برای حفظ و بقای رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک هم‌پیمان راهبردی، یکی از اهداف مهم راهبرد امنیتی آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شود (The U.S. National Security Strategy on May, 27, 2010). از مشکلات عمده‌ی آمریکا برای نیل به این هدف؛ سوریه است چراکه تنها کشور عربی است که نه تنها با رژیم صهیونیستی پیمان صلح منعقد نکرده، بلکه با ایران انقلابی دارای روابط حسنه‌ای بوده و از این طریق هسته‌های مقاومت اسلامی علیه رژیم صهیونیستی را شکل داده است. بنابراین، آمریکا برای تحقق صلح مورد نظر خود در خاورمیانه، تلاش دارد، ضمن تقویت و علنی نمودن روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی، تأثیر کشور سوریه را مهار نموده و هم‌زمان چالش و مانع جدی در مقابل پیشرفت ایران ایجاد نماید. ایالات متحده بر این باور است، در صورت موفقیت این طرح، سایر بازیگران فعال در منطقه ناگزیر از همسو شدن با سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا خواهند بود.

با آغاز رخدادهای اخیر در کشورهای عربی، برخی از ساکنین سوریه که نسبت به اداره‌ی برخی امور داخلی کشورشان اعتراض داشتند، تحت تأثیر ملل «تونس»، «مصر» و «لیبی» دست به تحرکات سیاسی زدند؛ اما این تحرکات محدود، با دخالت غرب و آمریکا و هدایت تحرکات سیاسی برخی کشورهای منطقه به سمت خشونت رفته و تداوم این وضعیت باعث ایجاد صف‌بندی‌های جدید بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است.

بالتبع، علائق ژئوپلیتیکی بازیگران متعارض محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این فضای سیاسی باعث شده است تا روابط متقابل ایران و سایر بازیگران نیز، از ثبات لازم برخوردار نبوده و مطالعه‌ی سیر روابط، طیفی وسیع از روابط گرم تا تهدیدزایی برای ایران را نشان می‌دهد. اعتقاد بر آن است که تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی سوریه در دل این منطقه پیچیده و کاملاً متنوع و ارائه‌ی تصویری روشن از عوامل مثبت و منفی تأثیرگذار بر روابط بازیگران، می‌تواند بستری مناسب برای تدوین یک سیاست خارجی کارآمد همسو با اهداف و منافع ملی و توانایی‌های بالای ایران فراهم نماید.

### ژئوپلیتیک و جایگاه آن در سیاست خارجی

تلاش‌های بسیاری در جهت تشریح مفهوم ژئوپلیتیک از سوی نظریه‌پردازان مختلف از قرن نوزدهم به این طرف صورت گرفته است. در طول این سال‌ها گاه از ژئوپلیتیک تحت عنوان تأثیر جغرافیا بر امور نظامی راهبردی، و گاه تأثیر یک جنبه‌ی جبری جغرافیا بر سیاست به‌ویژه روابط بین‌الملل یاد شده است. برخی آن را تأثیر دوجانبه‌ی جغرافیا و سیاست، و برخی تحلیل فضایی مناسبات و ساختار قدرت و رقابت جهانی دانسته‌اند. در شرایط حاضر، ژئوپلیتیک را به مطالعه‌ی روابط و منازعات بین‌المللی از منظر جغرافیا (Braden, 2000) و مطالعه‌ی رویارویی میان قدرت‌ها و رابطه‌ی بین نیروهای موجود در یک منطقه (مجمع تشخیص مصلحت نظام: ۱۳۸۷) معنا می‌کنند.

قابل توجه است که ریشه‌یابی علل وقوع منازعات نشان می‌دهد، عوامل ژئوپلیتیکی همواره سهم عمده‌ای را در این فهرست به خود اختصاص داده‌اند و سیاست خارجی در وهله‌ی اول نیازمند درکی واقع‌گرایانه از امکانات و محدودیت‌هایی است که موقعیت ژئوپلیتیکی در اختیار یک کشور قرار داده است. از سوی دیگر، با توجه به این اصل که سیاست خارجی یک کشور هنگامی طبیعی و حقیقی است که ادامه‌ی زندگی سیاسی و سیاست‌های داخلی آن کشور باشد، لاجرم این سیاست‌ها، در پیگیری همان منافع ملی در صحنه‌های فراملتی، جنبه‌ای ژئوپلیتیک به خود می‌گیرند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱).

به این ترتیب، موقعیت جغرافیایی به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم محیطی، تأثیر قاطع و اجتناب‌ناپذیری بر زندگی جوامع بشری بر جای می‌گذارد و همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تکوین بسیاری از سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایفا می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۶۲). در واقع، درک ژئوپلیتیکی نسبت به خود و نظام جهانی، حاوی بصیرتی عمیق برای سیاست خارجی کشورهاست و هیچ کشوری نمی‌تواند محتوا، جهت‌گیری و حتی اهداف سیاست خارجی خود را مستقل از نظام ژئوپلیتیک جهانی طراحی و هدایت کند.

## ژئوپلیتیک خاورمیانه

تاکنون کتاب‌های بسیاری درخصوص بحران‌ها و مناقشات، اهمیت انرژی، جنگ و صلح در خاورمیانه نوشته شده است. غالب نویسندگان بدون این‌که تعریفی جامع از این منطقه ارائه نمایند به بسط موضوع مورد نظر خود پرداخته‌اند، دلیل این امر واضح است، تقریباً هیچ تعریف ثابتی از این منطقه وجود ندارد.

اصطلاح خاورمیانه را اولین بار در ۱۹۰۲، مورخ دریایی امریکایی بنام «آلفرد ماهان» به کار برده است (میرحیدر، ۱۳۷۴: ۲۰). مفهوم خاورمیانه برای اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در طول جنگ جهانی دوم روشن شد و آن زمانی بود که مقرر انگلیسی‌ها و متفقین در قاهره، معروف به مقرر خاورمیانه، بخش‌های وسیعی از شمال و شرق آفریقا، ایران، ترکیه و کلیه کشورهای عربی شرق کانال سوئز را تحت پوشش داشت (همان: ۲۱). این بحث ناشی از سیاست خودمحموری قدرت‌های جهانی است. آنها خود را مرکز جهان معرفی می‌کنند و بقیه را نسبت به خود می‌سنجند (میزگرد فصلنامه خاورمیانه، ۱۳۷۷: ۴۸).

با این حال، اهمیت این منطقه با این واقعیت تقویت می‌شود که یهودیت، اسلام و مسیحیت - که پیروان آنها بیش از نیمی از جمعیت جهان را شامل می‌گردد - از خاورمیانه برخاستند. عامل دیگر اهمیت منطقه وجود منابع فسیلی است که تقریباً بیش از یک چهارم تولیدات نفتی جهان و بیش از ۶۶ درصد ذخایر شناخته شده را دربردارد (BP, 2011). وجود بخش قابل ملاحظه‌ای از انرژی جهان در خاورمیانه از یک سو و اهمیت انتقال انرژی از سوی دیگر، موجب شده است عنصر انرژی از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی بازیگران فرامنطقه‌ای برخوردار باشد.

لاجرم، خاورمیانه طبق تعریفی که از آن به عمل آمد، نه از نظر فیزیکی و نه از جهت فرهنگی منطقه محدود شده‌ای نیست (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴). اما این واقعیت که منطقه در مجاورت اقیانوس هند قرار گرفته و پنج دریای مدیترانه، احمر، خلیج فارس، خزر و سیاه در داخل آن رخنه کرده‌اند، سبب افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی آن شده است.

به دنبال بیداری اسلامی در منطقه و آغاز اعتراضات مردمی علیه نظام‌های دیکتاتوری، سیاست خارجی کشورهای جهان بالاخص کشورهای غربی، در آزمون جدی قرار گرفته است. در آزمون‌هایی که توجه و تحقق مطالبات مردم در راستای آزادی بیان، آزادی دینی و ... هم موقعیت حاکمان دیکتاتور را تضعیف می‌کند و هم منافع کشورهای غربی را در کشورهای بحرانی به خطر می‌اندازد. در حقیقت، ایالات متحده، امروزه بیش از هر زمان دیگری، دچار چالش شده است و مانع اصلی پیشرفت سیاست‌های خود در این منطقه را جمهوری اسلامی ایران و هم پیمانان منطقه‌ای آن می‌داند. از سوی دیگر، دولت‌های خاورمیانه نه تنها فاقد یک چشم‌انداز ژئوپلیتیک مجرد هستند، بلکه دارای انواع دیدگاه‌هایی که تحت تأثیر تاریخ، ایدئولوژی سیاسی و مکان جغرافیایی‌شان شکل گرفته، می‌باشند. در عین حال بیشتر دولت‌ها با سهم بودن در برخی برداشت‌ها، عملاً دارای یک دید ترکیبی از نظام قدرت در جهان هستند. به عبارت دیگر، دل‌مشغولی واقعی دولت‌ها، منطقه‌ای است، نه جهانی. این امر سبب دشواری درک ماهیت اصلی رقابت بازیگران و صف‌بندی‌های جدید سیاسی در منطقه شده است.

#### تاریخچه‌ی سوریه و اثرگذاری ژئوپلیتیکی آن بر منطقه

سوریه کشوری است که زمانی مرکز امپراتوری اسلام بود. در سوریه گروه‌های نژادی گوناگونی از قبیل عرب‌ها (۹۰ درصد)، کردها (۹ درصد)، ارمنی‌ها، آسوری‌ها و ترکمن‌ها (۱ درصد) زندگی می‌کنند. تقسیم‌بندی مذهبی آنها نیز بدین صورت است: مسلمانان سنی (۷۴ درصد)، علوی‌ها (۱۲ درصد)، مسیحی‌ها (۱۱ درصد) و دروزی‌ها (۳ درصد) (Countries of the World and Their Leaders Yearbook, 2010).

این کشور بر اساس آمار منتشره از سوی سازمان ملل متحد (۲۰۰۸) ۲۰،۵۸۱،۲۹۰ نفر جمعیت داشته، مساحتی بالغ بر ۱۸۵،۱۷۰ کیلومتر مربع دارد و اغلب مردم آن عرب و مسلمان هستند.

سوریه‌ی کنونی در سال ۱۹۴۶ استقلال خود را از فرانسه بدست آورد. با این وجود، به‌ویژه به دلیل منافع متناقض گروه‌های مختلف در جامعه، شاهد دورانی از بی‌ثباتی سیاسی بوده

است. حکومت بعثی به‌ویژه در دوران حافظ اسد، در عرصه‌ی داخلی با حکمرانی اقتدارگرایانه و در عرصه‌ی بین‌المللی با سیاستی ضد صهیونیستی توصیف شده است. با درگذشت حافظ اسد، انتقال قدرت به فرزندش بشار اسد، بدون هیچ‌گونه برخوردی صورت گرفت. بدین ترتیب، لزوم تغییر در این کشور مهم خاورمیانه از چند سال قبل، نمودی عینی یافته بود. تغییرات ایجادشده در صحنه‌ی نظام قدرت در جهان (تبدیل نظام دوقطبی به وضعیت دوران گذار فعلی)، حضور پررنگ کشورهای فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا در خاورمیانه، تغییرات اساسی در نوع تعامل فلسطینیان و رژیم صهیونیستی به نسبت دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ میلادی و نهایتاً جنبش ملت‌های مسلمان کشورهای خاورمیانه معروف به بیداری اسلامی، سوریه را در برابر واقعیت‌هایی جدید در صحنه‌ی داخلی و خارجی قرار داده است که تغییر دیدگاه و چارچوب زمامداری دولتمردان سوریه را می‌طلبد.

با این مقدمه به‌نظر می‌رسد کشور سوریه از چند منظر، دارای اهمیت است:

- ۱) سوریه به واسطه‌ی بافت جمعیتی، منطقه‌ی جغرافیایی و بافت نیروی انسانی موجود در آن از منظر تخصصی در جهان عرب و نزدیکی آن به فلسطینی‌ها از جایگاه تعریف شده و قابل تعمقی برخوردار است. شاید بتوان گفت در میان کشورهای عربی مصر، سوریه و عربستان لایه‌ی نخست کشورهای مهم جهان عرب را تشکیل می‌دهند.
- ۲) سوریه با دارا بودن بافت حکومتی تعریف شده در جهان اسلام، در حوزه‌ی مقاومت جهادی به عنوان ستون فقرات مقاومت در این مسیر شناخته می‌شود.
- ۳) این کشور در کل خاورمیانه اهمیت دارد، بالتبع جایگاه سوریه در جهان عرب، جهان اسلام، جغرافیای خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای همیشه جایگاه بالایی بوده است. بنابراین از این سه منظر، سوریه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نمی‌توان سوریه را نادیده گرفت. هرگونه رویدادی در سوریه می‌تواند پیامدهای متفاوتی را در این لایه‌ها و از هر لایه به لایه‌ی دیگر در پی داشته باشد.

## چالش‌های سیاسی - فضایی درون سوریه

چالش‌های درونی موجود سوریه را می‌توان در پنج لایه تحلیل نمود:

### ۱) نظام تک حزبی

سوریه دارای نظام سیاسی تک حزبی است. همچنین ساختار سیاسی سوریه بر پایه‌ی قدرت شکل گرفته است. آغاز فعالیت حزب بعث در دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی سازمان سیاسی مسلطی را در سوریه ایجاد کرد. رهبران این حزب که از سال ۱۹۶۳ قدرت یافتند از سیاست‌های یک‌سویه در حکومت بهره‌جسته‌اند تا از تبدیل اختلافات اقلیت‌های دینی و قومی سوریه به جنگ داخلی جلوگیری کنند.

در دیدگاه حزب بعث، مردم مشارکت فعالی ندارند. سه نفر از بزرگان حزب بعث، مسیحی هستند و نطفه‌ی آن در دانشگاه آمریکایی بیروت شکل گرفت. حزب بعث در سوریه در دست علوی‌ها است که از شهر «قرده» بوده اما در اقلیت هستند. به‌طور کل ساختار حزب بعث در اختیار اهل تسنن و ساختار دولت و نهادهای امنیتی دست علوی‌ها بوده است. لکن طی ۱۰ سال اخیر به‌ویژه پس از فوت حافظ اسد نقش حزب بعث کمرنگ شده است و امور دستگاه‌های امنیتی به‌طور کامل به دست علویون افتاده است. «بشار اسد» به دلیل برخی ویژگی‌های شخصی و نظری در چند سال اخیر تلاش‌هایی را برای انجام اصلاحات سیاسی در سوریه آغاز کرد اما بدنه‌ی حزب بعث و دولت سوریه چندان با وی هماهنگ نشد و از این رو، سرعت اصلاحات سیاسی در این کشور علی‌رغم تمایل شخصی بشار اسد به حداقل ممکن کاهش یافت و همین امر بهانه‌هایی را جهت آشوب‌های اخیر در سوریه فراهم آورده است.

### ۲) اخوان المسلمین

اخوان المسلمین سوریه نیز به مانند بسیاری از کشورهای عربی مهم‌ترین اپوزیسیون داخلی نظام کنونی به شمار می‌رود که از دو طیف سلفی تندرو و معتدل برخوردار می‌باشد. این گروه در سال ۱۳۱۴ ه.ش. (۱۹۳۵) در شهر حلب سوریه به‌وسیله‌ی دکتر «مصطفی السباعی» به تأسی از اخوان المسلمین مصر و به‌منظور مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه و



سروسامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی و رفع شکاف موجود بین جهان عرب از طریق احیای اسلام به وجود آمد (کميجان، ۱۳۷۰: ۱۷۲).

بارزترین مشخصه‌ی این جنبش در سوریه، مخالفت دائمی آن با دستگاه سیاسی کشور بوده است. از مهم‌ترین جلوه‌ی این مخالفت، می‌توان به درگیری نظامی ۱۳۶۰ ه. ش. (۱۹۸۱) طرفداران جهاد ضد دولتی در جنبش اخوان‌المسلمین با نیروهای حکومتی اشاره کرد (پژوهشکده‌ی تحقیقات اسلامی، بی‌تا: ۱۰۵)، که پس از این شکست، جنبش مذکور مجبور شد فعالیت‌های خود را به‌طور پنهانی ادامه دهد.

هم‌زمان با آغاز تظاهرات در سوریه، اخوان‌المسلمین در این کشور و مقامات کشورهای «عربستان سعودی»، «اردن»، «قطر»، «ترکیه»، «عبدالحمید خدام» و «سعد حریری» در یک جبهه علیه نظام سوریه قرار گرفتند تا شعار تغییر و اصلاحات مردم این کشور را به شعار سرنگونی نظام بشار اسد تبدیل کنند.

اخوان‌المسلمین سوریه امروز از هم‌پیمانان اصلی ترک‌ها هستند، دلیل این امر، ریشه‌ی اسلامی حزب «عدالت و توسعه» نیست، بلکه به نظر می‌رسد مسائل دیگری فراتر از هویت اسلامی آنها وجود دارد که موجب شده است این دو هم‌پیمان شوند. بهترین دلیل برای هم‌پیمانی ترکیه و اخوان‌المسلمین سوریه، برگزاری چهار کنفرانس برای مخالفان نظام در شهرهای ترکیه است که اغلب آنها توسط اسلام‌گرایان تشکیل شده است.

این گروه از آغاز بحران تاکنون، نشان داده که برای سقوط اسد با زیر پا گذاشتن اصول اصلی و پایه‌ای خود، دست به هر کاری می‌زند. اما در واقع، سوریه برای این گروه محکی بزرگ و دشوار خواهد بود. چراکه در سوریه مانند آنچه در مصر به چشم می‌خورد، تکثرگرایی حزبی به‌ویژه در سطح مخالفان وجود ندارد.

### ۳) گروه‌های تکفیری، سلفی

«ناصر المرعی»، در منطقه‌ی «تلکلیخ» سوریه، شبه‌دولت مستقلی با عنوان امارت اسلامی تشکیل داده و وزرای دفاع و امور مالی خود را نیز تعیین کرده است. وی همچنین رادیویی را نیز

برای خود تأسیس کرده است. سلفی‌های تندرو «طرابلس» در لبنان نیز در مناطق مرزی با سوریه که کمتر تحت مراقبت امنیتی قرار دارد، اقدام به حمایت از امارات اسلامی سلفی‌های سوریه کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد این جریان از سوی کشورهای دیگری مانند عربستان نیز پشتیبانی می‌شوند. در تاریخ ۱۲ تیر ماه سال ۱۳۹۰ بیش از ۷۰ نفر از سلفی‌های برجسته‌ی عربستان، کویت، اردن و سوریه در ریاض نشست برگزار کردند تا راه‌حل‌های تشدید بحران در سوریه را مورد بررسی قرار دهند. گفته می‌شود هدف از این گردهمایی در ریاض، وارد آوردن فشار بر پادشاه سعودی برای تشدید بحران در سوریه بوده است. پیش از این نیز سلفی‌های کویت و اردن در جریان حوادث چند ماه گذشته شهر «درعا»، تلاش کرده بودند تا از هر راهی مردم را برضد نظام سوریه تحریک کنند (روزنامه مشرق، ۱۳۹۰/۲/۲۵).

دخالت غرب برای براندازی حکومت سوریه می‌تواند به قدرت گرفتن سلفی‌های تندرو منجر شود و مسیحیان را در خطر واقعی قرار دهد. موضوعی که خوشایند سایر گروه‌های مخالف سوریه به‌ویژه «اکراد» نیز نیست. بر خلاف طیف معتدل، سلفی‌های اخوان‌المسلمین سابقه‌ی همکاری با غرب را نیز جهت مبارزه با حکومت اسد در پرونده خود دارند.

#### ۴) کردهای سوریه

بخش کردنشین سوریه از فقیرترین بخش‌های این کشور می‌باشد (هانی‌زاده، ۱۳۹۰). در تحولات اخیر سوریه، کردها به صورتی فعال و تأثیرگذار شرکت می‌کنند. از آن میان می‌توان به نامگذاری «جمعه‌ی آزادی» و یا جمع‌های به نام «اسیران آزادی» نام برد. همچنین حضور فعال کردها در اعتراضات چه در مناطق کردنشین «حسکه» و «قامشلی» و چه در محلات کردنشین دمشق پایتخت سوریه، نشان از برجسته شدن هر چه بیشتر نقش کردها در تحولات اخیر سیاسی سوریه دارد. مهم‌تر از همه حضور فعال اپوزیسیون کرد سوریه در نشست استانبول است.

در تاریخ ۲۷ تیر سال ۱۳۹۰ در استانبول ترکیه همایشی از مخالفان بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه، برگزار شد که در آن همه طیف‌های اپوزیسیون شرکت داشتند. کردها در اجلاس

استانبول پرچم کردستان را بلند کردند و در پاسخ به اعتراض دیگران گفتند که شما نیز پرچم ترکیه را بلند کرده‌اید! یکی از علل تردید کردهای سوریه در ادامه دادن به همکاری با دیگر مخالفان را می‌توان سیاست ترکیه در قبال آشوب‌های سوریه دانست (شرق نیوز، ۲۷/۴/۱۳۹۰).

بعد از مداخله‌ی آشکار ترکیه در امور داخلی سوریه، «جلال طالبانی» و «مسعود بارزانی»، دو رهبر کرد عراقی، به‌شدت از سوریه حمایت کردند و نخست وزیر عراق نیز حاضر نشد با مداخله‌ی ترکیه همراهی نشان دهد و حتی قراردادی برای ارسال ماهیانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت برای کاهش مشکلات اقتصادی سوریه امضا کرد و گروهی متشکل از ۱۵۰ تاجر سوریه ای را به حضور پذیرفت تا مناسبات اقتصادی میان دو کشور افزایش یابد. این در حالی است که تا مدتی پیش، «نوری المالکی» سوریه را به ارسال خرابکار و سلاح به عراق متهم می‌کرد (پرس تی وی، ۳ مرداد ۱۳۹۰). به‌نظر می‌رسد، کردهای سوریه با درک صحیح شرایط فعلی این کشور و با توجه به وضعیت کلی اکراد منطقه‌ی خاورمیانه، راه رسیدن به اهداف کلان خود را در اصلاحات حکومت فعلی دنبال خواهند نمود و در مورد تغییر حکومت، چندان خوش‌بین نیستند.

## ۵) مشکلات اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی علیه حکومت سوریه از سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز و در چند ماه اخیر، فشارهای اقتصادی غربی‌ها، چندین برابر شده است. دولت سوریه از چهار سال پیش با موج اعتراضات و اعتصابات سنگین روبروست و به‌همین دلیل زیر فشار شدید مالی قرار گرفته است. به‌دنبال اعتراضات مردمی و ناآرامی، اقتصاد سوریه به وضعیتی بحرانی رسیده است. اکثر کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی کندتر از معمول کار می‌کنند و به‌ویژه کارخانجات نساجی که معمولاً جزء صادرکنندگان کشور محسوب می‌شوند، با افت تولید مواجه هستند. زندگی روزمره نیز به دلیل اعتصاب، تظاهرات و البته تدابیر شدید امنیتی مختل شده است. در این شرایط، بعید نیست که برخی مواد غذایی ضروری کمیاب شود. از طرف دیگر، تمام پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی متوقف شده و پول سوریه تحت فشار قرار گرفته است. به دلیل فرار

سرمایه‌ها از کشور که معادل حدود ده میلیارد دلار برآورد می‌شود، ارزش لیره سوریه نیز کاهش یافته است (www.irna.ir).

از نظر نگارندگان آنچه در سوریه می‌گذرد، متأثر از ساختار اقتصادی سوریه نیست، بلکه بحرانی است که از سوی برخی کشورهای منطقه و غربی‌ها به دمشق تحمیل شده است. در همین راستا، آمریکا و کشورهای غربی، با تشدید تحریم‌های اقتصادی تلاش می‌کنند، اوضاع درونی سوریه را به هم بریزند.

#### علاقه ژئوپلیتیکی بازیگران در سوریه

تحولات مربوط به سوریه، برآیند تعامل و تقابل قدرت میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در این میان چند بازیگر برجسته و عمده وجود دارند که به تفصیل به نقش آنها در این تحولات می‌پردازیم. اولین بازیگر رژیم صهیونیستی است که نقش سکوت را ایفا می‌کند هرچند که بحث‌های داخلی در رژیم صهیونیستی نگرانی از به هم ریختگی در سوریه را نشان می‌دهد. با این حال، پس از آغاز ناآرامی‌ها برخی از مقام‌های رژیم صهیونیستی نیز بلافاصله واکنش نشان دادند. «آویگدور لیبرمن»، وزیر خارجه‌ی تندرو این رژیم خواهان آن شد که جامعه‌ی جهانی با رژیم اسد نیز همچون رژیم قذافی رفتار کند (www.khorasannews.com). اما اندکی بعد سکوت در قبال رویدادهای سوریه به رویکرد غالب در میان مقام‌ها و نهادهای رسمی رژیم صهیونیستی بدل شد. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی قاعدتاً باید از تضعیف جریان مقاومت اسلامی خوشحال باشد، لاجرم نمی‌توان تردید را در نوع رفتار و بیانات مقامات این کشور مشاهده نکرد. به‌ویژه این که صهیونیست‌ها در قبال آینده‌ی نظام سوریه و شکل‌بندی‌های آتی در این کشور تصور خاصی ندارند و حضور مسلحانه جنبش‌های سلفی در سوریه و احتمال قدرت گرفتن این گروه‌ها یا اخوان المسلمین در این کشور آنها را دچار تردید نموده است. به عبارت دیگر، این رژیم سود برافتادن حکومت اسد در سوریه را بیشتر از زیان‌ها و تبعات احیاناً تهدیدآمیز آن نمی‌بیند و از این رو، خویشترداری و سکوت آن بیش از ملاحظات تاکتیکی به تعاملات راهبردی مربوط می‌شود.

همچنین رژیم صهیونیستی این نقش را پذیرفته که در مورد تحولات سوریه نباید وارد شود چون ممکن است هرگونه مداخله در این امر سایر محاسبات را به هم بریزد.

«یونیل گوجانسکی»، محقق مرکز تحقیقات قومی تل‌آویو نوشت: «اقدام عربستان و تحرکاتش در منطقه در مقابله با سوریه، مسأله‌ی توجه به حقوق بشر و حفظ آن در سوریه نیست، بلکه ریاض به این وسیله تلاش می‌کند با تشکیل ائتلافی سنی - ضد ایرانی از گسترش نفوذ ایران در منطقه جلوگیری کند. این موضع‌گیری عربستان دلیل بر این امر است که عربستان در اندیشه‌ی افزایش قدرت منطقه‌ای خویش بوده و در اندیشه‌ی تشکیل ائتلاف‌های جدیدی در خاورمیانه است که با منافع این کشور هم‌خوانی داشته و حافظ این منافع باشند». از دید عربستان سرنگونی اسد به معنای از بین رفتن مهم‌ترین متحد ایران در منطقه است و تهران با سرنگونی نظام حاکم بر دمشق بسیار تضعیف خواهد شد، عاملی که زمینه را برای عربستان سعودی مهیا می‌کند تا رهبری ائتلافی سنی طرفدار و هم پیمان با غرب را برعهده بگیرد، البته به شرط آن‌که سنی‌ها در سوریه قدرت را بدست بگیرند و تشکیل این ائتلاف از این جهت برای ریاض بسیار مهم می‌نماید، چون «آل سعود» تاکنون در تشکیل ائتلافی ضدایرانی ناکام بوده‌اند. البته ریاض برگه‌ها و امکانات دیگری در اختیار دارد که به تدریج و یک به یک در مقابل سوریه آنها را به کار گرفته و خواهد گرفت. این برگه‌ها دربرگیرنده امکانات مالی، رسانه‌ها، گروه‌های سیاسی و حامیان اهل سنت این کشور در لبنان و یا استفاده از برگه‌ی سلفی‌ها در مناطق مختلف جهان اسلام است. همچنین یکی از اصلی‌ترین ابزارهای در اختیار آل سعود حربه‌ی اختلافات طایفه‌ای و مذهبی است که به واسطه‌ی این ابزار می‌تواند به راحتی تحریکاتی را ایجاد کند.

قطر به‌عنوان دیگر بازیگر فعال عربی منطقه، سعی کرده است که در دیپلماسی منطقه‌ای خود، نقشی فعال و پویا داشته باشد. وقتی به موضع‌گیری‌های قطر در ماه‌های اخیر نگاه کنیم در می‌یابیم که این کشور تاکنون از جنبش‌های مردمی در کشورهای مختلف حمایت کرده است. بسیاری از کشورهای عربی نیز قطر را به دلیل فعالیت‌های خیری شبکه‌ی الجزیره، به تحریک مردم کشورهای عربی به قیام علیه دولت‌هایشان متهم می‌کنند. بنابراین، موضع این کشور در قبال

تحولات کشورهای عربی روشن بوده است. این موضع‌گیری‌ها نیز متفاوت از مواضع دیگر کشورهای عربی بوده است که عموماً از تحولات در کشورهای عربی خشنود نبودند.

بنابراین، قطر در راستای همین موضع‌گیری مستقل خود، با دیگر کشورهای منطقه در مورد مسائل سوریه همراهی نکرد. اغلب کشورهای عربی در اعتراض به کشتار مردم سوریه توسط حکومت این کشور سفرای خود را از این کشور فراخواندند و این خشونت‌ها را تقبیح کردند. با توجه به این مسائل به نظر می‌رسد قطر تلاش کرده است با ایران نیز در مورد مسائل سوریه رایزنی‌هایی داشته باشد ([www.irdiplomacy.ir](http://www.irdiplomacy.ir)).

اما از نظر نگارندگان مقاله، قطر در مورد سوریه، تلاش خواهد کرد موضع یکسانی با دیگر کشورهای عربی اتخاذ کند و از جنبش مردمی در این کشور حمایت کند. به این دلیل به نظر می‌رسد، ایران و قطر در این مورد چندان اشتراک نظر نداشته باشند.

در تعامل بین بازیگران، شاید مهم‌ترین نقش، نقش دیپلماتیک باشد که ترکیه آن را به‌عهده گرفته است. دلیل این امر واضح است؛ میان آمریکا و ترکیه درباره مسأله‌ی سوریه هماهنگی وجود دارد و این هماهنگی نشان‌دهنده‌ی نقش سیاسی دیپلماتیک و هماهنگ‌کنندگی خاصی است که آنکارا در تحولات مربوط به سوریه داراست. با این اوصاف، هماهنگی مواضع ترکیه با آمریکا و سعی در جلب نظر مساعد اعراب برای تحت فشار گذاشتن دولت سوریه، نخستین نشانه‌ی آشکار از نقش جدیدی است که ترکیه برای خود در منطقه متصور است (گل‌وردی، ۱۳۹۰). آشکار است که ترکیه با ورود به بحران سوریه در پی ارتقای منزلت و نقش راهبردی خود در منطقه است.

البته نمی‌توان همه نقشی را که ترکیه ایفا می‌کند الزاماً متأثر و در راستا و هم‌سوی با منافع سایر بازیگران قلمداد کرد. در عین حال باید به این واقعیت توجه کنیم که موضع‌گیری ترکیه در قبال تحولات سوریه می‌تواند نقطه‌ی عطفی در فرایند نقش‌آفرینی جدید ترکیه در منطقه باشد؛ جایی که ترکیه از نقش میانجی‌گرانه و پشتیبان خارج شده و سعی در مداخله‌جویی دارد. که این امر نیازمند وقوع شرایطی است که عدم تحقق آن، آینده‌ی موفقیت سیاست جدید خارجی ترکیه را در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد داد.

در ارتباط با انگیزه و اهداف سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه، ملاحظاتی قابل تأمل وجود دارد که به آن اشاره می‌کنیم. مسکو، سوریه را نقطه‌ی نفوذ خود در خاورمیانه می‌داند. به عبارت دیگر، منافع روسیه در سوریه بسیار بیشتر از هر نقطه‌ی دیگری در منطقه‌ی عربی است. همسایگی‌اش با رژیم صهیونیستی، متحد بلامنازع غرب، مجاورتش با عراق، لبنان، اردن و عربستان باعث شده است تا سوریه به مثابه دروازه‌ی ورود به جهان عرب از یک سو و منافع دنیای غرب از سوی دیگر قلمداد شود. جدای از همه اینها، روسیه در سوریه حضور مؤثر دارد. در اختیار داشتن بندر «طرطوس» و پهلوگیری کشتی‌های روسی در آن و همچنین روابط سنتی بسیار نزدیک دمشق - مسکو باعث شده است تا روسیه به سوریه به چشم یک قلمرو نگاه کند.

از سویی، اگر نگاهی به سیر تحولات منطقه از سال ۲۰۰۰ تاکنون بیندازیم به روشنی می‌بینیم که روسیه یک به یک جایگاه‌های حضور خود را در منطقه از دست داده و سوریه آخرین نقطه‌ی نفوذ روسیه در خاورمیانه‌ی عربی محسوب می‌شود. در سال ۲۰۰۳ پای روسیه به‌طور کامل در عراق قطع شد. پس از آن در لبنان نیز به واسطه‌ی خروج نیروهای «سوری» از این کشور حضور روسیه در آن کشور نیز از میان رفت. در فلسطین با دوپارچه شدن آن و حمایت بی‌شائبه‌ی غرب از حکومت خودگردان و عدم اجازه به آن برای نزدیکی به روسیه حضور مسکو در قضیه‌ی فلسطین نیز بسیار کم‌رنگ شد. در تونس با رفتن «زین‌العابدین بن‌علی» باز هم این روس‌ها بودند که نفوذشان را در این کشور از دست دادند. در لیبی نیز پس از سقوط قذافی هیچ اجازه‌ای به حضور شرکت‌های روسی در لیبی داده نشد تا نفوذ مسکو بیش از پیش در لیبی کم‌رنگ شود. اکنون سوریه برای روسیه آخرین جبهه‌ی حساس منطقه‌ای محسوب می‌شود. کما این‌که، این موقعیت راهبردی مورد توجه بسیار غرب نیز هست. این مسئله باعث می‌شود تا مقاومت روسیه در برابر غرب بیش از پیش افزایش یابد.

افزون بر این روسیه هیچ تصور روشنی از فضای بعد از اسد ندارد و توی قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل توسط روسیه پیامی روشن برای غرب و امریکایی‌ها دارد. توی

روسیه در حقیقت به معنای حمایت از اسد نبود؛ بلکه به معنای حمایت همه‌جانبه از منافع مسکو در خاورمیانه و جهان عرب بود، حتی اگر این حمایت به سرخوردگی جهان عرب منجر شود. چین نیز همگام با روسیه، قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل علیه سوریه را وتو کرد. به نظر می‌رسد در ارتباط با انگیزه و اهداف سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین، ملاحظاتی قابل تأمل وجود دارد که عبارتند از:

- رویارویی با سیاست یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده (این کشور با رویکرد چندجانبه‌گرایانه‌ی خود عزمی جدی برای مقابله با نظام تک‌قطبی مورد نظر ایالات متحده داشته است و نمود عینی این سیاست را می‌توان در تحولات اخیر پیمان شانگهای مشاهده نمود)؛
- دستیابی به نقش بین‌المللی به‌عنوان بازیگر جهانی؛
- ایجاد و بسط روابط اقتصادی با کشورهای منطقه.

در این بین جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران مؤثر منطقه‌ای، از همان ابتدا با اعلام حمایت از حرکت‌های مردمی در کشورهای منطقه بالادست تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین، «بیداری اسلامی» را منشأ شروع این حرکت‌ها اعلام و خواستار احترام دولت‌ها نسبت به مطالبات مشروع مردمی و پایان دیکتاتوری‌ها شد. موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، حمایت از هرگونه اصلاحات به نفع مردم این کشور و مخالفت با دخالت امریکا و کشورهای دنباله‌رو آن، در مسائل داخلی سوریه است ([www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)). به‌علاوه، هدف اصلی جمهوری اسلامی، حفظ خط مقاومت در منطقه است، چراکه سوریه از مقاومت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند.

بنابر آنچه بحث شد، مشخص می‌شود که سوریه در بین بازیگرانی قرار گرفته است که اغلب خواهان تضعیف یا سرنگونی دولت اسد از صحنه‌ی سیاسی سوریه هستند. دمشق که مشکلات خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی را دارد، هم‌اکنون با وجود گرفتارشدن در زنجیره‌ی بحران‌ها تلاش می‌کند با اتکا به ملت و اصلاحات اساسی، این سلاح برنده (مردم) را از دست دشمن خارج کند و با جدا کردن عناصر شورشی جداشده از مردم، آنها را تضعیف



نموده و ابتکار عمل را از دست بازیگران مداخله‌گر بگیرد، اقدامی که دولت بشار برای انجام آن فرصت اندک دارد و فشار زیادی را باید تحمل کند.

### تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری

سوریه، بنا به ماهیت خود، بیشترین امکان برهم زدن وضع موجود را در اختیار بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار می‌دهد. این کشور سکان نفی هرگونه مصالحه در درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی را در دست گرفته و هرگونه تلاش ایالات متحده را در این زمینه بی‌اثر کرده است. همچنین، محور مقاومت ایران - سوریه پس از گذشت حدود سه دهه رابطه‌ای فعال، همچنان پابرجا مانده است. استمرار این رابطه گویای آن است که این پیوند، رابطه‌ای بیش از پیمانی تاکتیکی است.

افزون بر این، درحال حاضر دمشق از دو جبهه‌ی داخل و خارج مورد تهدید قرار گرفته و در این میان تنها ایران به صورت مطمئن از این دولت حمایت کرده است. روسیه و چین نیز به خاطر رویکرد راهبردی که در حمایت از اسد مطرح کرده‌اند، قطعنامه‌های ضد سوری شورای امنیت را وتو کرده‌اند. لاجرم، مجموعه‌ی تحولات داخلی و بین‌المللی مربوط به سوریه نشان می‌دهد که دولت سوریه باید ضرورت تغییر را درک کند. پس تداوم ثبات و امنیت در سوریه به‌عنوان کشوری مهم در خط مقاومت علیه رژیم صهیونیستی لزوم اصلاحات در این کشور را دوچندان می‌کند. بنابراین، طرح‌هایی که امروز وجود دارد این امکان را می‌دهد که قبل از آن‌که شرایط برای طرح‌های سیاسی به نقطه‌ی بدون بازگشت برسد و بدون وقوع جنگ داخلی و طائفه‌ای که هزینه‌های زیادی برای خود سوریه و منطقه به بار می‌آورد، بحران به نحوی حل و فصل شود.

اما آیا هیچ جایگزینی برای وضع موجود وجود ندارد؟ به نظر شش جایگزین قابل تصور است:

(۱) بقای رژیم فعلی و انجام اصلاحات در راستای منافع ملی؛

(۲) روی کار آمدن لیبرال‌ها و طرفداران غرب؛

۳) روی کار آمدن سلفی‌های تندرو؛

۴) روی کار آمدن حکومت هم‌سو با جریان محافظه‌کار منطقه (مانند جریان اخوان‌المسلمین که در مصر و تونس شکل گرفت)؛

۵) تجزیه‌ی سوریه؛

۶) وارد شدن جنگ خارجی برای وحدت ملی.

از بین شش گزینه‌ی فوق، گزینه‌های پنجم و ششم را می‌توان کاملاً غیر محتمل دانست. زیرا واقع شدن هر کدام از اینها به منزله‌ی شکست فاحش سیاست غربی و کشورهای محافظه‌کار هم‌سو با این سیاست است، واقعه‌ای که هر دو گروه هزینه زیادی برای رخ ندادن آن صرف خواهند نمود. خطر واقعی، که سیاست ایالات متحده باید آنرا پیش‌بینی کند از گزینه‌های سوم و چهارم ناشی می‌شود، خطری که رژیم صهیونیستی نیز اهمیت آنرا به‌خوبی درک کرده و نگرانی خود را از این موضوع، بارها به سیاستمداران امریکایی گوشزد کرده است. از نظر ایران این رخداد ناخوشایند بوده و زمینه را برای بستن دروازه‌های شام بر روی این کشور و گسست پل مقاومت آماده می‌کند. برای جلوگیری از چنین وضعیتی، ایالات متحده پیدایش گزینه‌ی دوم را تشویق خواهد نمود، که با در نظر گرفتن شرایط حاضر دور از انتظار به‌نظر می‌رسد. اما در شرایط فعلی و با ارزیابی گزینه‌های محتمل برای آینده‌ی سوریه، بقای حکومت فعلی به‌شرط پذیرش و اجرای اصلاحات بر اساس خواسته‌ی ملت سوریه محتمل‌ترین گزینه‌ی پیش‌رو خواهد بود. در مجموع از آن چه ذکر شد می‌توان گفت که مورد سوریه برای ایالات متحده، استثناست. این استثنا ناشی از پیچیدگی‌های راهبردی، رادیکال شدن تحولات در سوریه و تعدد بازیگران داخلی، بازیگران منطقه‌ای و بازیگران بین‌المللی در مسأله‌ی سوریه بوده و ایجاد تعادل بین نیروهای متضاد در قضیه‌ی سوریه کار چندان ساده‌ای نیست.

## منابع

### فارسی

- ۱- اخباری، محمد و عبدی، عطاءالله، (۱۳۹۰)، «پژوهش‌های جغرافیای انسانی»، تهران، شماره ۷۵، بهار.
- ۲- اکبری، حسین، (۱۳۸۷)، «بازی با آتش: استراتژی آمریکا در خاورمیانه»، تهران، نشر شمیم طوبی.
- ۳- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، «جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی اسلام معاصر»، انتشارات نشر زمزم هدایت، بی‌تا.
- ۴- حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای»، انتشارات وزارت خارجه.
- ۵- دهشیار، حسین، (۱۳۸۶)، «سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا»، چاپ اول، تهران.
- ۶- روزنامه‌ی مشرق، «تلاش سلفی‌ها برای تشکیل امارت در سوریه»: ۱۳۹۰/۲/۲۵  
<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/۴۶۰۴۴>
- ۷- ساجدی، سید محی‌الدین، «ناکامی ترکیه در بحران سوریه»، پرس تی وی ۱۳۹۰/۵/۳  
[presstv.ir/detail/fa/190716.html](http://presstv.ir/detail/fa/190716.html)
- ۸- «سیاست خارجی توسعه‌گرا» (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۹- سیف زاده، حسین، (۱۳۸۲)، «مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، نشر وزارت امور خارجه.
- ۱۰- کمیجان، هر ایرد، (۱۳۷۰)، «جنبش‌های اسلامی معاصر»، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان.
- ۱۱- گل‌وردی، عیسی، (۱۳۹۰)، «تلافی منافع آمریکا و ترکیه در منطقه با تأکید بر سوریه»، تابناک، شهریور  
<http://www.tabnak.ir/fa/news/189031>
- ۱۲- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران، سمت.
- ۱۳- میرحیدر، دره، (۱۳۷۴)، «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۴- «میزگرد تحولات جدید ژئوپلیتیک منطقه‌ای و امنیت ملی خاورمیانه»، (۱۳۷۷)، تهران، ش ۱۴ و ۱۵.

۱۵- هانی زاده، حسن، «چشم انداز روابط کردها با دولت در سوریه»، کرد پرس،  
<http://kurdpress.com/Fa1390/7/22>

#### انگلیسی

- 16- BP Statistical Review of World Energy (2011), (<http://www.bp.com>).
- 17- Braden, Kathleen and FM.Shelley, (2000), "*Engaging Geopolitics*". Pearson Education Limited.
- 18- "*Countries of the World and Their Leaders Yearbook*", (2010), Printed in the United States of America 1 2 3 4 5 6 7 13 12 11 10 09.
- 19- <http://irdiplomacy.ir/fa/news/57/bodyView/15795/> (قطر در جستجوی نقشی سازنده در منطقه).
- 20- <http://irna.ir/News/30790591>
- 21- <http://www.khamenei.ir>
- 22- Rivlin, Paul, (2005), "*The Russian Economy and Arms Exports to the Middle east*", The Jaffee Center for Strategic Studies (JCSS), Memorandum No. 79.
- 23- The U.S. national security strategy document on May, 27, 2010 ([www.whitehouse.gov](http://www.whitehouse.gov))
- 24- [www.khorasannews.com/News.724747](http://www.khorasannews.com/News.724747) ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ برابر با سوم آوریل ۲۰۱۱